



30 دسمبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

## مصاحبه اشرف غنی با نیک کارتر و تبصره کوتاه در زمینه

از 15 اگست سال جاری که با فرار غیرمترقب اشرف غنی رئیس جمهور قبلی از وطن و ورود قوای طالبان به کابل نظام قبلی سقوط نمود و جای آنرا طالبان با اعلام "امارت اسلامی" گرفت فقط 135 روز میگذرد و در این مدت همیشه سؤال چگونگی این تحول مطرح بحث همگانی قرار داشته و کوشش بیشتر کسان بر آن بوده است تا مسئولیت این تحول را صرف به گردن یک شخص یعنی اشرف غنی بیندازند و دیگران دست های خود را پاک کرده و خود را غیرمسئول بشمارند. درحالیکه موضوع به اینطور سادگی نیست و ریشه های عمیق دارد که ایجاب موشگافی و تدقیق بیشتر را مینماید. در این مدت از خلیزاد گرفته تا حمد الله محب و بعضی کسان دیگر که در جریان رویداد همان روز قرار داشته اند، تا حال به بیان قسمتی از این رویداد و شرح عوامل و چگونگی آن بزم خود پرداخته و گوشه های متفاوت آنرا بیان کرده اند. اما از مدتی بدینسو چشم و گوش همه منتظر بیانات رئیس جمهور اسبق اشرف غنی بوده است که امروز مورخ 30 دسمبر از طریق بی بی سی زیر عنوان "گفتگو با چهره های سیاسی، هنری و ادبی از تلویزیون فارسی بی بی سی" انتشار یافت و جنرال نیک کارتر گرداننده این مصاحبه بود. اینک متن منتشره این مصاحبه را از صفحه فیسبوک گرفته و ضم یک تبصره کوتاه خدمت تقدیم میدارم:

xxxxxx

«متن کامل گفتگوی ژنرال نیک کارتر (سر دبیر مهمان بی بی سی) با محمد اشرف غنی که در آغاز از او درباره دلیل خارج شدنش از افغانستان پرسیده:

اشرف غنی: دلیل اصلی من برای خروج، جلوگیری از ویرانی کابل بود. کابل قبلاً در جنگ های میان گروهی مجاهدین بر سر قدرت، ویران شده بوده، با خاک یکسان شده بود. دو گروه متفاوت از طالبان از دو جهت مختلف در حال وارد شدن به کابل بودند. احتمال یک درگیری شدید بین آنها بسیار بالا بود و شهری با جمعیت ۵ میلیون نفر در معرض نابودی قرار داشت.

نیک کارتر: چه به یاد می آورید از همان روز، وقتی که از خواب بیدار شدید و دیدید که آن اتفاقها افتاد؟

اشرف غنی: صبح آن روز، به ذهنم هم خطور نمی کرد که بعد از ظهر من کشور را ترک می کنم. به ما اطلاع دادند که گروه حقانی تعهد داده که وارد کابل نشود. ولی دو ساعت بعد، اینطور نبود. از من خواسته شد که به همکارانم از جمله مشاور شورای امنیت ملی اجازه بدهم تا کشور را ترک کنند. همچنین از همسر من خواستم تا کشور را ترک کند، او مردد بود که این کار را بکند. آنها یک و نیم ساعت قبل از خروج من، محل را ترک کردند. من منتظر بودم، تا اینکه از بسم الله خان (وزیر دفاع وقت) به من زنگ زد و گفت که همه چیز از هم فرو پاشیده است. این زمانی بود که من می خواستم به وزارت دفاع بروم. ۲۵ دقیقه منتظر بودم، ولی خودروها نیامدند. بعد دکتر محب (حمدالله محب)، مشاور شورای امنیت ملی و بعد رئیس "پی پی اس" (واحد محافظت از رئیس جمهور) وارد شدند و

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

گفتند که "پی‌پی‌اس" از هم پاشیده و اگر من بر ماندن اصرار کنم، همه آن‌ها کشته می‌شوند. آنها توانایی حفاظت از من را ندارند. دکتر محب واقعا ترسیده بود. برای من بیش از دو دقیقه فرصت نداد. برنامه و دستور من این بود که آماده شویم و به طرف خوست حرکت کنیم. او به من گفت که خوست سقوط کرده و جلال آباد هم سقوط کرده است. من نمی‌دانستم که کجا می‌رویم. تنها وقتی سوار هلی‌کوپتر شدیم، مشخص شد که ما کشور را ترک می‌کنیم، این واقعا اتفاق ناگهانی بود.

نیک کارتر: اخیرا کنگره آمریکا از جان سایکو، بازرس ویژه آمریکا در امور افغانستان خواسته تا در باره ادعاهایی تحقیق کند که گویا شما زمان ترک کشور، با خودتان مقدار مشخصی پول خارج کردید. فکر می‌کنم سؤال دیگری که خیلی از افغان‌ها می‌خواهند درباره‌اش بشنوند این است که چرا شما افغانستان را به آن شکل ترک کردید که البته توضیح دادید، من می‌خواستم بگویم که برای شما هم شخصا احتمالا خیلی سخت بوده که در آن مرحله افغانستان را ترک کنید.

اشرف غنی: البته، سخت‌ترین اتفاق ممکن بود. به همین دلیل در یکصد روز گذشته من تنها بودم و در حال نوشتن بودم و به اتفاقات گذشته فکر می‌کردم. وضع نمی‌توانست از این سخت‌تر باشد. من مجبور بودم خود را قربانی کنم تا کابل را نجات بدهم و خودم را در معرض شرایطی قرار بدهم که واقعیت داشت. یک کودتای خشن، نه یک توافق سیاسی یا یک روند سیاسی که مردم در آن مشارکت داشته باشند. دوم، من می‌خواهم قطعا تاکید کنم که هیچ پولی را از کشور خارج نکرده‌ام. هلی‌کوپترها و اولین مقصد ما در دسترس همه بود تا بررسی کنند. من نه تنها از تحقیق در این باره توسط آقای سایکو استقبال می‌کنم بلکه من می‌خواهم یک تحقیق دیگر هم انجام شود. به محض اینکه این ادعاها مطرح شد، پیشنهاد کردم که تحقیقاتی در این باره توسط سازمان ملل یا یک نهاد بازرسی کننده دیگر انجام شود. شیوه زندگی من بر همه معلوم است. من با پول چه می‌خواستم بکنم؟ این اتهام‌هایی است که مشخصا اول از طرف روسیه مطرح و بعد منتشر شد. من خوشحال می‌شوم که در این زمینه هر نوع تحقیق لازم از من انجام شود از جمله اینکه از دستگاه دروغ‌سنج استفاده شود، یا به هر شیوه دیگری که لازم باشد. من به دلیل تعهد به کشور خود مطرح هستم و مثل خیلی‌های دیگر به دلیل رابطه‌ای ویژه با سازمان‌های اطلاعاتی یا چیزهای دیگر وارد میدان (سیاست) نشدم.

نیک کارتر: برگردیم به تفاهم‌نامه‌ای که در تاریخ ۲۹ فبروری/فوریه ۲۰۲۰ امضا شد. اکنون وقتی به آن نگاه می‌کنید، آیا چیزی درباره آن هست که احساس کنید اگر به عقب برگردید، می‌توانست طور دیگری انجام شود یا شما می‌شد به‌گونه دیگری رفتار کنید که باعث می‌شد نتیجه بهتری از آن تفاهم‌نامه حاصل شود؟

اشرف غنی: آنچه در ۲۹ فبروری/فوریه رخ داد، این بود که به جای دستیابی به یک روند صلح، به روندی برای خروج [نیروهای آمریکا] رسیدیم. در آن زمان طالبان به عنوان مهلک‌ترین سازمان تروریستی شناخته می‌شد. آن روز دو تفاهم‌نامه وجود داشت، دو رخداد. اولی در کابل شکل گرفت. استولنتبرگ، دبیرکل ناتو، و اسپر، وزیر دفاع آمریکا اول به کابل آمدند و اعلام تفاهم مشترک کردند. ماه‌ها بود که این به طور موازی همزمان با تفاهم با طالبان در حال انجام بود.

نیک کارتر: یعنی این در واقع یک رابطه مشترک بین آنها و دولت افغانستان بود، درست است؟

اشرف غنی: بله.. وقتی به تفاهم‌نامه نگاه می‌کنید چهار قسمت دارد. اما چهار بخش دو تفاهم‌نامه شدیداً با هم فرق دارند.

نیک کارتر: ببخشید، فکر می‌کنم لازم است توضیح بدهید منظور از تفاهم‌نامه دیگر، تفاهم امضا شده میان دولت آمریکا با طالبان در دوحه است.

اشرف غنی: آن تفاهم‌نامه توسط سفیر خلیل‌زاد، در حضور آقای پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا امضا شد. در کابل آقای اسپر، وزیر دفاع گفت این یک تفاهم مشروط است و باز هم گفت دوباره تاکید می‌کنم این یک تفاهم مشروط است و اگر طالبان به تعهدات خود عمل نکند، این تفاهم‌نامه از سوی آمریکا لغو می‌شود.

مهم‌ترین مساله‌ای که احتمالا یکی از اصلی‌ترین دلایل وقایع ماه آگوست/اوت است این بود که در تفاهم‌نامه با ما، که ماه‌ها بر سر آن مذاکرات صورت گرفت، بیان شد که آمریکا در صورت آزادسازی زندانی‌ها از سوی هر دو طرف (طالبان و دولت افغانستان)، برگزاری مذاکرات میان دو طرف را تسهیل می‌کند. تعداد [زندانیانی که باید آزاد می‌شدند] در آن تفاهم‌نامه حدود چند صد نفر حداکثر ذکر شده بود. در تفاهم‌نامه آمریکا با طالبان اما، آمریکا یک تعهد یک جانبه داده بود، که آزادسازی ۵ هزار زندانی طالبان تا دهم ماه مارس/مارچ تضمین کند.

نیک کارتر: آیا با شما درباره آزاد کردن ۵ هزار زندانی مشورت نکردند؟

اشرف غنی: ما قاطعانه آن را رد کردیم. چون من تکلیفم را انجام داده بودم و تفاهم‌نامه صلح را مطالعه کرده بودم و غیر از موضوع آتش‌بس همه‌جانبه و دایمی، آنچه که آقای اسپر، وزیر دفاع آمریکا و دبیرکل ناتو آن را تکرار کرده بودند، هیچ مشورتی با ما صورت نگرفت و علاوه بر آن، آمریکا یک جانبه تعهد داد که باقی زندانیان طالبان را هم در سه ماه بعد از آن آزاد کند. ضرب‌الاجلی هشدارآمیز صادر شد، این که ما باید آزادشان می‌کردیم. تعداد شان اول چند صد نفر بود، بعد به یک هزار رسید و بعد اصرار شدید و کامل وجود داشت که تمامی پنج هزار نفر آزاد شوند. اما طالبان از مذاکرات سیاسی با ما خودداری کردند و گفتند شما چه‌کاره هستید. و حتی در مورد زندانیان گفتند این تعهد آمریکاست و آمریکا قرار است اجرایش کند. چه از نظر روند کار و چه از نظر نتیجه آن، این مسئولیت باید مشخصا متوجه همان تیم باشد. به خصوص سوال اینجاست که چطور وکلای وزارت امور خارجه آمریکا، اجازه دادند دو تفاهم‌نامه به شدت متفاوت شکل بگیرد؟ چون تفاوت‌ها با هم نمی‌توانست مطابقت کند.

نیک کارتر: برمی‌گردم به جایی که این گفتگو را آغاز کردیم. آیا فکر می‌کنید اگر همانجا می‌ماندید، می‌توانستید کاری کنید که آن‌ها متوجه این موضوع شوند؟

اشرف غنی: نخیر. چون متأسفانه از من چهره‌ای کاملا منفی ترسیم کرده بودند و همه این‌ها به این خاطر رخ داد که ما هرگز فرصت این را نداشتیم که با آنها به مذاکره بنشینیم. سفیر خلیل‌زاد خودش این را گفت که این تبدیل به مساله‌ای مربوط به آمریکا شد، نه مساله افغان‌ها. آن‌ها ما را حذف کردند.

نیک کارتر: شما زمان زیادی، چیزی بیش از صد روز داشتید که به آنچه گذشت فکر کنید. آیا هیچ پشیمانی شخصی‌ای دارید درباره همه اتفاق‌هایی که افتاد؟ مردم احتمالا خیلی برایشان جالب است بدانند که چه احساسی دارید، و برایتان چه معنایی دارد؟

اشرف غنی: کارنامه زندگی من نابود شد، ارزش‌هایم لگدمال شد و مرا قربانی کردند. آمریکا و دیگر همکاران غربی ما این انتخاب را داشتند که یا شیوه جنگیدن شان با ترور را تغییر دهند یا کلا کنارش

بگذارند و خارج شوند. اما برای ما خودمختاری ملی تا زمانی که جنگ به این شکل با تروریسم باشد، امکان‌پذیر نیست. چون تمام مشکلات دیگر ما نسبت به این فرعی هستند.

نیک کارتر: شما وقتی رئیس‌جمهور بودید، به وضوح اعلام کردید که این برای شما جنگیدن تا پای مرگ است و همه مسائل مربوط به آن که تا انتها خواهید رفت. اگر به پایان این مساله برگردیم، مطمئنم افغان‌های بسیاری هستند که شما را به عنوان رهبرشان نسبت به آنچه اتفاق افتاد، مقصر می‌دانند. شما احتمالاً باید درباره همه این‌ها پاسخی به آنها بدهید.

اشرف غنی: قطعاً، مقصر دانستن من از سوی آنها کاملاً قابل درک است. آنها به درستی من را مقصر می‌دانند و این حق را دارند. چون من به مشارکت بین‌المللی ما اعتماد کردم و این مسیر را پیش گرفتم. به جای مقابله مداوم مثل فرد پیش از من (حامد کرزی)، من، همان‌طور که شما شخصاً شاهد بودید، واقعا همه فشارها را پذیرفتم که از این نتیجه خودداری شود.

اما آنها هم این تحمیل مداوم را درک کنند و امیدوارم که با گذشت زمان متوجه شوند. اما خشم آنها را کاملاً می‌فهمم چون خودم هم در آن شریک هستم. بیشتر در شکل درماندگی. به همین دلیل، من به این مساله متمرکز هستم که بتوانیم یک راه اساسی به جلو را در پیش بگیریم نه برای مقاصد شخصی، بلکه برای آن‌که قادر باشیم به افغانستان و جهتی که در پیش می‌گیرد، کمک کنیم که همه ما دوباره بتوانیم به هم تعلق داشته باشیم. و اینجا درسی هم برای جامعه جهانی هست. یک افغانستان بی‌طرف، موجودیتی به مراتب ماندگارتر است، تا افغانستانی که به میدان جنگ بدل شده باشد یا تابع جنگی از بیرون باشد.

همه ما اشتباه بزرگی کردیم در این‌که فکر کردیم شکست‌ناپذیری جامعه بین‌المللی پایدار خواهد بود. و درسی که گرفتیم این است که ما نیاز داریم به مسیری برای آشتی ملی واقعی، خودمختاری و مسئولیت‌پذیری نسبت به یکدیگر حرکت کنیم، تا بتوانیم باز هم با هم زندگی کنیم». (پایان متن منتشره مصاحبه اشرف غنی با نیک کارتر در بی بی سی)

xxxxxx

با این نوع مصاحبه‌ها به هر سویه که صورت گیرد، گوشه‌هایی از یک معمای پیچیده که چگونه وطن و نظام بار دیگر از مسیر خود منحرف شده و به عقب‌گرد خطیر مواجه گردید، روشن میشود. هنوز هم زود است تا بر حقایق دست یافت و با این مصاحبه‌ها صرفاً ما به گوشه‌های مختلف آن آشنا می‌شویم و آنهم وطوریکه دست‌های مرئی و نامرئی میکوشند این گوشه‌های پراکنده را به زعم و هدف خود به یک سمت دیگر بکشانند و کوشش نمایند تا بار مسئولیتها را از شانه خود به شانه دیگران انتقال دهند.

در مصاحبه فوق‌الذکر اشرف غنی دو نکته بیشتر از همه واضح میگردد:

یکی اینکه در موافقتنامه فیروزی 2020 دوحه اساساً توافق بین طالبان و امریکا صورت گرفته بود و امریکائی‌ها در رابطه با مسایل افغانستان تعهداتی با طالبان را متقبل شده بودند، درحالی‌که در آن زمینه توافق با جانب دولت افغانستان طور لازم صورت نگرفته و یا اینکه توافق با دولت نهائی نشده بود و امریکا کوشش داشت تا دولت افغانستان را بالقوه و تهدید مجبور به قبول آن سازد. فشارهای وارده از طرف خلیل‌زاد و نیز پمپئو- وزیر خارجه آنوقت امریکا بر اشرف غنی مبنی بر قبول کامل مواد آن موافقتنامه این موضوع را به صراحت روشن می‌سازد.

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

نکته دیگر اینکه موضوع خروج قوای امریکائی از افغانستان به حیث هدف اصلی این همه رویدادهای آشکار و پنهان بود که باید طوری صورت می‌گرفت که برای امریکائی‌ها به حیث یک اقدام موفقیت آمیز پنداشته می‌شد و برای اینکار فرقی نداشت که عواقب آن در آینده بر افغانستان چه فاجعه را بار می‌آورد. مسئله تشکیل حکومت گویا "همه شمول" یک نقابی بود که باید به روی هدف اصلی گذاشته می‌شد که در واقع نتیجه تشکیل همچو حکومت چیزی دیگر نبود، مگر به قدرت رساندن طالبان یعنی حکومتی که زیر سایه طالبان که یک تعداد آرزومندان قدرت را نیز احتوا میکرد و اینکار واضح بود که زمینه کشمکش‌های بعدی را بین آنها روی تقسیم قدرت و نحوه اجراء امور و اجندای کاری شان به وجود می‌آورد که موجب بروز جدالها و کشمکش‌ها بین آنها می‌شد و در اثر آن نظام از هم متلاشی می‌گردید و آنوقت مسئولیت از هم پائیدگی نظام بدوش خود افغانها می‌افتاد، درحالیکه ریشه آن در تشکیل همچو حکومت "گاو - شتر - پلنگ" اساساً برای هدفی بود که امریکائی‌ها برای خروج ظاهراً موفقانه قوای خود از افغانستان در نظر داشتند. به هر حال بحث طولانی است و باید منتظر روشن شدن زاویه‌های دیگر این مصیبت بود.

بیمورد نخواهد بود که با ذکر مطلب فوق به یک نکته دیگر نیز توجه را جلب کرد و آن اینکه: بعضی‌ها به این نظر اند که نباید در این موقع که وطن دچار معضلات جاری است، به بحث روی مسایل تاریخی پرداخت. در اینجا ولو که از رویداد اخیر فقط از نظر زمان چهارماه و چند روز می‌گذرد، باز هم سقوط نظام اکنون به یک موضوع تاریخی مبدل شده است که باید مورد بررسی و موشگافی دقیق قرار گیرد و همه مشتاقانه منتظر مصاحبه اشرف غنی بوده اند. این خود نشان میدهد که بررسی‌های تاریخی قضایای بغرنج در گذشته چه دور و یا نزدیک از اهمیت خاص برخوردار است. بررسی‌های تاریخی و کنجکاوی‌ها در آن موارد نه تنها ما را به حقایق رویدادهای گذشته آشنا می‌سازد، بلکه این ذهنیت را در عین زمان خلق میکند که مرور زمان موجب پرده انداختن و بی‌اهمیت جلوه دادن رویداد‌های گذشته نمی‌گردد و تدقیق بر مسایل گذشته میتواند مسئولان امور جاریه را ملتفت آن سازد که دیر یا زود دوسیه‌های کاری هریک رویکار خواهد شد و مورد قضاوت مردم قرار خواهد گرفت و نباید به این گفته اتکا کرد که: «چه تیر شو - نو هیر شو» یعنی آنچه گذشت، آنرا فراموش باید کرد و دنبال تدقیق آن نرفت، بلکه درک حقایق تاریخی و تلاش برای رسیدن به آن در هر وقت که باشد، چه گذشته نزدیک و یا دور یک رسالت مهم اهل تدقیق پنداشته میشود.

با این دلیل این کمترین به تدقیق مسایل و مباحث تاریخی ولو مربوط یک قرن قبل و یا جدید باشد، کما فی السابق ادامه خواهد داد، بدون آنکه فکر کند چه کسانی از آن خوش می‌شوند یا خفه؛ امید میکنم که بگذرانند هریک در حدود توان و علاقه خود به بررسی مسایل چه جاری و چه تاریخی مربوط هر زمان و هر عصر بپردازد و کسی را مجبور نسازند تا فقط به آینده نگرد و نه به گذشته.